

«12» إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءِثَارَهُمُ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ

همانا ما مردگان را زنده می‌کنیم و آن چه را از پیش فرستاده‌اند و آثارشان را می‌نویسیم و هر چیزی را در (کتاب و) پیشوایی روشن برشمرده‌ایم.

***** نکته‌ها *****

آنچه از انسان سر می‌زند، در پرونده عمل او ثبت می‌شود و در قیامت به شکل کتابی در اختیار او قرار می‌گیرد.

***** پیام‌ها: *****

- 1- در برابر عقاید انحرافی و انکارآمیز کافران، با صراحت و قاطعیت سخن بگویید.
- 2- همه مردگان در قیامت زنده می‌شوند. «نحی الموتی» و زنده شدن مردگان به دست خدای حیّ قیوم است.
- 3- پرونده‌ی عمل انسان، حتی پس از مرگ او تا قیامت باز است.
- 4- نه فقط اعمال، بلکه همه آثار آن نیز ثبت می‌شود و در حساب قیامت لحاظ می‌گردد. (خواه آثار خیر نظیر وقف و صدقه جاریه و آموختن علم به مردم، یا آثار شرّ مثل تأسیس مراکز گناه)
- 5- گزارش عملکرد ما زودتر از خود ما به قیامت می‌رسد.
- 7- انسان، تنها ضامن اعمال خود نیست، بلکه مسئول پیامدهای آن نیز هست.
- 8- دستگاه محاسبه الهی دقیق و فراگیر است. «کلّ شیء احصیناه»
- 9- تمام موجودات تحت نظر هستند و همه چیز و هر

ثبت آثار

قرآن می‌فرماید: «نکتب ما ق نه تنها ما اعمال بندگان بلکه آثاری را که آن عمل نیز به دنبال دارد ثبت می‌کنیم. چرا یک گناه با آن همه آثار: مثال: اگر بی ادبی وارد مجلس عروسی شد و برق را قطع کرد و در تاریکی، حوادثی رخ داد مثلاً افرادی از پله‌ها افتادند، ظرف‌ها شکسته و کفش‌ها گم شد، کودکان ترسیدند، افرادی سوء استفاده کردند، مجلس بهم ریخت و بستگان عروس و داماد از مهمانان شرمند شده‌اند، اینها همه آثار یک عمل ساده خاموش کردن برق است.

یک مثال دیگر در مورد آثار خوب: زن فرعون گفت لا تقتلوا موسی را نکشید وجود موسی چقدر آثار داشت

یا وقتی که برادران یوسف قصد کشتن یوسف را داشتند. یکی از برادران گفت «لا تقتلوا» زنده ماندن یوسف، آثاری

وسعی داشت

((آیه ۲۲)) وَ مَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

چرا باید من خدای آفریننده خود را نپرستم در صورتی که بازگشت شما (و همه خلایق) به سوی اوست.

ءَاتَّخِذْ مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً وَلَا يُنْقِذُونِ «۲۳»

آیا من به جای آن خدای آفریننده یکتا خدایانی را معبود خود گیرم که اگر آن خدای رحمان بخواهد به من رنج و زبانی رسد هیچ شفاعت آن خدایان از من دفع زیان نکرده و نجاتم نتوانند داد؟

« ۲۴ » «إِنِّي إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ مُّبِينٍ «۲۵» إِنِّي ءَأَمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ در این صورت پیداست که من بسیار زیانکار خواهم بود. پس، از من (ای رسولان) بشنوید (و گواه باشید) که به خدای (فرستنده) شما ایمان آوردم.

پیام‌ها:

- ۱ - توحید و خداپرستی که فطری است. اعراض از خدا و شرک‌ورزی جای انتقاد و سؤال دارد .
- ۲ - یکی از راه‌های دعوت دیگران، بیان اعتقادات منطقی خود است.
- ۳ - یکی از فلسفه‌های عبادت، تشکر از ولی نعمت است.
- ۴ - توجّه به مبدأ و معاد، سرچشمه‌ی توحید و بندگی است.
- ۵ - مرگ پایان زندگی نیست، بازگشت به سوی خداست. «الیه ترجعون»
- ۶ - بهترین راه دعوت، عمل است
- ۷ - بهشت برزخی قبل از بهشت موعود است.

((آیه ۳۳)) وَءَايَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ

و از نشانه‌های معاد: زمین مرده را زنده کردیم و دانه‌ای از آن خارج ساختیم

نکته: بخشی از دانه‌ها صرف تغذیه انسان و بخشی به مصرف حیوانات و یا برای مصارف غیر خوراکی می‌شود.

پیام‌ها:

- ۱ - هر مرده‌ای که در قیامت از گور بر می‌خیزد، مانند دانه‌ای است که از زمین می‌روید.
- 2- برای اثبات حقانیت سخن خود، مثال بیاوریم
- 3 - بهترین راه ایمان به معاد، دقت در آفریده‌هاست.
- ۴ - فصل بهار و رویش گیاهان از مهم‌ترین دلایل توحید است.

و کافران (از روی تمسخر به رسول و مؤمنان) گویند: پس این وعده‌ی (قیامت و بهشت و دوزخ) اگر راست می‌گویید کی خواهد بود؟ (۴۸)

((آیه ۴۹)) «مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ» این منکران قیامت انتظار نکشند جز یک صیحه (اسرافیل حق) را که (به مرگ) همه را فرا گیرد در حالی که (در کارهای دنیا یا در صیحه‌ی دوم قیامت) با هم به بحث و جدل مشغول‌اند.

« ۵۰ «فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ» (در آن لحظه‌ی مرگ) نه توانایی سفارشی دارند و نه به اهل بیت خود رجوع توانند کرد. **** پیام‌ها: ****

۱ - کفار، دلیلی بر انکار قیامت ندارند و تنها با طرح این سؤال که قیامت چه زمانی است، آن را به استهزا می‌گیرند. «متی هذا الوعد إن كنتم صادقين»

۲ - معین نبودن زمان، دلیل بر واقع نشدن نیست.

۳ - برپایی قیامت، وعده الهی است. «هذا الوعد»

۴ -- در قیامت، نه زبان تاب سخن دارد و نه پا توان فرار.

۷ - برپایی قیامت با از یک صیحه مرگبار است. «صیحه واحد»

۸ - پایان دنیا و آغاز قیامت در حالی خواهد بود که مردم سرگرم جدال روزانه‌اند. «تأخذهم و هم یخصمون»

«آیه ۵۱» «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ» (چون بار دوم) در صور دمیده شود به ناگاه همه از قبرها به سوی خدای خود به سرعت می‌شتابند.

« ۵۲ «قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ» و گویند: ای وای بر ما، که ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این همان وعده‌ی خدای مهربان است و رسولان همه راست گفتند. (۵۲)

« ۵۳ «إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ» و آن جز یک صیحه (و یک لحظه بیش) نباشد که ناگاه تمام خلائق محشر به پیشگاه ما حاضر آورده خواهند شد.

**** نکته‌ها: أجداث جمع «جَدَث» به معنای قبر، «ینسلون» از «نسلان» به معنای رفتن با سرعت و «مَرَقَد»

اسم مکان از «رقاد» به معنای محلّ استراحت که در اینجا مراد قبر است.

نه میراندن برای خداوند مشکل است و نه زنده کردن، او با یک صیحه می‌میراند و با یک صدا همه را زنده می‌کند.

- ۱- آغاز قیامت با صدای مهیبی است که با دمیده شدن در صور شنیده می‌شود. «و نفخ فی الصور»
 ۲- معاد، جسمانی است و بدن‌ها از همین قبرها خارج می‌شوند. «... بعثنا من مردنا»
 ۳- زنده شدن انسان‌ها در قیامت بسیار سریع است
 ۴- حرکت شتابان، نشانه‌ی اضطراب و هیجان مردم در قیامت است. «ینسلون»
 ۵- قیامت، روز حسرت کفار است. «یا ویلنا»
 ۶- قیامت، صحنه‌ی بیداری و اقرار و اعتراف است. «هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون»
 ۷- کفار آن چه را در دنیا انکار می‌کردند در آن روز می‌بینند

*** آیه ۵۴ «فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»

پس در آن روز کمترین ظلمی به هیچ کس نشود و جز آن چه عمل کرده‌اید ابداً جزایی نخواهید یافت.

*** پیام‌ها ***

- ۱- خداوند عادل است و قیامت روز ظهور و جلوه‌ی عدل الهی است. «فالیوم لا تظلم نفس»
 ۲- اساس کیفر و پاداش در قیامت عملکرد ما در دنیا است «ما کنتم تعملون»
 *** آیه ۶۵ «أَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»
 امروز بر دهان آن کافران مهر خموشی نهیم و دست‌هایشان با ما سخن گوید و پاهایشان به آن چه می‌کردند گواهی دهد.
 ***** نکته‌ها: *****

گواهان در قیامت متعددند و عبارتند از: خدا، پیامبر، امام، زمان، مکان، فرشتگان، اعمال و اعضای انسان. ذکر نام دست و پا از باب نمونه است، زیرا می‌خوانیم که گوش و چشم و دل نیز مورد سؤال قرار می‌گیرند (و حتی پوست گواهی می‌دهد. (به هر حال هر عضوی به آن چه عمل کرده گواهی می‌دهد.)

*** پیام‌ها ***

- 1- خداوند، سبب سوز و سبب ساز است. دهانی را که وسیله سخن گفتن است می‌بندد و دست و پا را وسیله سخن گفتن قرار می‌دهد. «نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم و... ارجلهم»
 2- معاد، جسمانی است. «تکلمنا ایدیهم»
 3- در قیامت اعضای بدن، تابع اراده انسان نیست. «نختم»
 4- قوی‌ترین گواه در دادگاه، اقرار و اعتراف عامل جرم است. «تشهد ارجلهم»
 5- اعضای بدن دارای نوعی درک و شعورند که می‌توانند در قیامت شهادت دهند. «تکلمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم»